



کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

دوره جدید ، شماره ۴۹

۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲ - ۱۵ مه ۲۰۰۳

خبرنامه

فبری سیاسی

مادر لباس ها را گرفت و گفت: ((هفت سال مرا از کرج به اوین کشاندید و هر بار پرسیدم ، دفترم کی آزاد می شود؟ گفتید: بزودی. حالا بی آنکه نشانی گورش را بردهید ، تنها لباس هایش را تعویلم می دهید! لباس های او را بر آستانه در خانه مان آویزان می کنم تا یارمان نرود شما با ما چه کردید!)).

حکومت اسلامی در تلاش برای ایجاد رابطه با آمریکا

بابک

تغییر رژیم سلطنتی به يك حکومت اسلامی از ایران خارج کرد. تغییرات در ایران اجتناب ناپذیر بود. مردم شاه نمیخواستند و او جانی برای ماندن در ایران نداشت. چنانچه قدرت از بالا به روحانیت سپرده نمی شد و نیروهای انقلابی در پیشاپیش آنها طبقه کارگر و کمونیست ها قدرت را تسخیر می کردند یقیناً نظام سرمایه داری و منافع سرمایه جهانی در ایران دچار ضربات جدی می شد. حکومت اسلامی ایران به رهبری روح الله خمینی بر بستر چنین تضادهایی شکل گرفت و پان اسلامیسیم، توسعه طلبی و بینادگرایی مذهبی برپایه دو شعار "مرگ بر آمریکا" و "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" بعنوان دگرترین سیاست خارجی آن تعیین گردید. حکومت دینی در ایران موجب پیدایش بینادگرایی اسلامی در سراسر خاورمیانه و بخش هایی از آسیای جنوب شرقی و آفریقا شد و بقیه صفحه ۲

حکومت اسلامی ایران محصول يك مقطع از دوران "جنگ سرد" است. در آن دوران امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، برای جلوگیری از گسترش نفوذ سیاسی اتحاد شوروی در خاورمیانه و بویژه در ایران که در التهاب يك قیام مردمی بسر می برد، سیاست ایجاد کمربند سبز به دور اتحاد شوروی را به اجرا در آورد. برای نا امن کردن حکومت وقت افغانستان که به اتحاد شوروی گرایش داشت، به آموزش و حمایت از گروه های بینادگرایی اسلامی در این کشور پرداخت و برای جلوگیری از انقلاب اجتماعی در ایران، زمینه های ایجاد يك رژیم بینادگرایی اسلامی را فراهم نمود و شاه را که او را حکومت اش یاد گرفته بود برای اخذ امتیازات بیشتر در منطقه و بویژه در خلیج فارس به بازی قدرت دست بزند و به این منظور سیاست نزدیکی دیپلماتی با اتحاد شوروی را تمرین می کرد، برای انتقال مسالمت آمیز قدرت به روحانیت شیعه و

زمینه های قتل عام زندانیان سیاسی

اسماعیل حق شناس

قسمت دوم

عقب نشینی می کند. گروهی دیگر معتقد بودند رژیم پایبند به هیچگونه قوانین و مقررات بین المللی نیست، وضعیت جنگی کشور و بحرانهای داخلی دست او را برای هرگونه قتل عامی باز گذاشته است همانطور که در سالهای ۶۰ و ۶۱ زندانیان را گروه گروه اعدام کرد و اسامی اعدام شدگان را در روزنامه های دولتی هم چاپ کرد. از این نقطه نظر، تنها مانع قتل عام، اعتراضات مردمی و نهادهای حقوق بشری و تلاش رژیم برای نزدیک شدن به اروپا می توانست باشد. یکی از روزهای رمضان ۶۴ برای شنیدن سخنرانی به سالن سینما که سالن اجتماعات هم بود برده شدیم. سخنرانی از ظهر تا شب ادامه داشت.

بقیه صفحه ۳

از طرف نماینده دادستان که شخصی بود بنام ابوطالب و یکی دو روحانی که از تهران آمده بودند تهدید به اعدام دسته جمعی شدیم. اخباری که از دیگر زندانهای کشور می رسید گویای اتفاقات مشابه بود و آنها هم تهدید به اعدام شده بودند. رژیم مترصد فرصتی برای قتل عام بود ولی تاکنون با سه مشکل روبرو بود، یکی کثرت زندانیانی که از نظر آنان باید اعدام می شدند، دوم، اعتراضات روبه رشد مردم و خانواده ها و سوم رفت و آمدهای کمیسوینهای حقوق بشر. بین زندانیان دو نظر در مورد آینده زندان و تهدید به قتل عام شدن وجود داشت. گروهی معتقد بودند رژیم توانایی قتل عام را ندارد و مردم در شرایط انقلابی هستند و بزودی به زندانها حمله می کنند و عملیات نظامی مجاهدین رژیم را وادار به

مرگ مشکوک پناهجوی ایرانی در ترکیه

علی سلیمانزاده پناهجوی ۳۵ ساله ایرانی که به اتفاق همسر و فرزند ۷ ساله اش به مدت بیش از ۴ سال در ترکیه بعنوان پناهجو بسر برد، پس از آنکه کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل (یو ان) در آنکارا درخواست پناهندگی وی را رد می کند و متعاقب آن حکم ترك ترکیه را دریافت می کند، برای اعتراض به تصمیم این دفتر و حکم اخراج خود، ۳۰ آوریل ۲۰۰۳ از خانواده اش در شهر افیون جدا شده و عازم دفتر یو ان در آنکارا می شود. او بعد از جر و بحث زیاد با کارمندان و نگهبانان این دفتر با عکس العمل شدید آنها روبرو می شود و متعاقباً تحویل پلیس ترکیه داده می شود. پلیس ضمن ضرب و شتم وی، او را دستگیر و به بازداشتگاه انتقال می دهد. در تاریخ ۶ مه ۲۰۰۳، پلیس ترکیه به خانواده او اطلاع می دهد که علی در زندان خودکشی کرده و جان باخته است. خبر خودکشی علی با ناباوری خانواده و دوستان او مواجه می شود. زیرا همه می دانند پلیس افراد بازداشتی را قبل از ورود به بازداشتگاه بازرسی می کند و کلیه وسایل همراه او را از او می گیرد. پلیس در باره اینکه علی چگونه خودکشی کرده توضیحی نداده است.

مقامات دولتی ترکیه به همسر علی اطلاع داده اند می خواهند او را در آنکارا به خاک بسپارند اما از آنجائیکه علت مرگ هنوز رسماً اعلام نشده، وی با این عمل تا روشن شدن علت مرگ مخالفت ورزیده است.

علی سلیمانزاده يك بار چند ماه پیش زمانی که برای اولین بار یو ان به درخواست پناهدگی او پاسخ رد داده بود، به دفتر این سازمان در آنکارا مراجعه کرد و در اعتراض به بسته شدن پرونده اش با خوردن سم اقدام بخودکشی کرد که بلافاصله به بیمارستان انتقال و از مرگ نجات یافت. پرونده او در آن زمان بازگشائی شد اما بعد از مدتی مجدداً به او پاسخ منفی دادند و پرونده اش را بسته مطلق اعلام کردند.

امور پناهندگی کانون زندانیان ایران (در تبعید) پس از دریافت خبر مرگ مشکوک این پناهجوی ایرانی در زندان ترکیه، با دفتر کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در آنکارا تماس گرفت و این سازمان را برای روشن شدن نحوه مرگ علی تحت فشار قرار داد. این دفتر قول همکاری داده و قرار است کانون را در جریان نتیجه معاینات پزشکی قانونی قرار دهد. این سازمان در عین حال اعلام کرد در گزارشی که پلیس ترکیه در اختیار آنها قرار داده مرگ علی سلیمانزاده خودکشی با سم اعلام شده است.

همایش در باره آینده ایران

همایش در باره آینده ایران با همکاری بنیاد هادسن، انستیتو تحقیقاتی واشنگتن و بنیاد دفاع از مکر اسی که در جهت سیاست های کاخ سفید عمل می کند، در واشنگتن آغاز بکار کرد

در صفحات دیگر

- ۲..... تلاش برای ایجاد جبهه مشترکی میان مجاهدین خلق و سلطنت طلبان
- ۲..... نگرانی ژرفان پناهندگان سازمان ملل نسبت به وضع پناهندگان ایرانی
- ۳..... افزایش تولید نفت عراق و پیامدهای منفی آن بر منافع ایران
- ۴..... گردهمائی اعتراضی معلمان
- ۴..... اعتراض اهالی خاورشهر به مشکل آب رسانی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

از هم اکنون باید در تدارک دادگاه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و عاملین شکنجه و اعدام و کشتار ده ها هزار دگراندیش سیاسی و فرهنگی ، مردم کوچه و خیابان مبتنی بر معیارهای ویژه یک جامعه انسانی بود که در فردای واژگونی رژیم نقطه عطفی باشد برای دادخواهی و اجرای عدالت و مبارزه برای نفع زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران.

نگرانی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نسبت به وضع پناهندگان ایرانی در عراق

کمیسیاریای عالی پناهندگان سازمان ملل طی انتشار بیانیه‌ای بشدت نسبت به وضع پناهندگان ایرانی در عراق اظهار نگرانی کرد. در این بیانیه آمده است که این پناهندگان که شمار آنها بیش از ۲۰ هزار نفر است در معرض تهدید با اسلحه و رانده شدن از خانه‌های خود هستند. این سازمان می‌گوید، صدها تن از ایرانیان پس از آنکه خانه‌ها و لوازم زندگی آنها مصادره شد از یک اردوگاه در نزدیکی الکوت در مرکز عراق گریخته‌اند و صدها تن نیز پس از گریختن از اردوگاهی در جنوب در مرز ایران تجمع کرده‌اند.

پیشینه

از زمان جنگ ایران و عراق، نزدیک به ۲۳ هزار پناهنده ایرانی در عراق زندگی می‌کنند که قریب به ۱۶ هزار نفر از آنها کرد هستند و در اردوگاه‌های آش در نزدیکی شهر اربیل در شمال عراق اسکان داده شده‌اند. ۷ هزار نفر دیگر ایرانیان عرب هستند و در اردوگاه مجهزتری در جنوب عراق به سر می‌برند.

بر اساس توافق کمیسیاریای عالی پناهندگان سازمان ملل با رژیم جمهوری اسلامی در ژوئن سال ۲۰۰۲، بازگشت داوطلبانه این پناهندگان به ایران از ماه ژوئیه سال گذشته آغاز شده و رژیم اسلامی شفاها قول داده که آنها را تحت تعقیب قرار ندهد. بنا به گزارش کمیسیاریای عالی پناهندگان سازمان ملل، تا پایان سال ۲۰۰۲ بیش از ۱۱۵۰ پناهنده با کمک این سازمان به ایران برگشته‌اند.....

قرارداد ترکمانچای

کریستین پاتن، مسئول خارجی اتحادیه اروپا، در یک کنفرانس خبری از امضای یک قرارداد فراگیر میان جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا خبر داد، که طی آن جمهوری اسلامی به عنوان اولین کشور به اتحادیه اروپا تعهد می‌دهد سلاحهای شیمیایی و کشتار جمعی تولید و نگهداری نکند و مورد استفاده قرار ندهد. به گفته خبرنگار بازتاب، سایت خبری محسن رضانی، علاوه بر این تعهدات، موارد متعدد دیگری نظیر عدم حمایت از تروریسم بویژه در مورد حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی و بهبود حقوق بشر در ایران، در این سند برای جمهوری اسلامی در نظر گرفته شد که در مقابل امتیاز قابل توجهی واگذار نمی‌کند و بیشترین امتیازات واگذار شده از سوی اتحادیه اروپا، ایجاد گفت‌وگو برای برقراری جامعه مدنی، روابط بین مجلس رژیم و پارلمان اروپا و ارتباطات فرهنگی است.

بازتاب در ادامه می‌نویسد: نکته مهم دیگری که در پدر اظهارات پاتن و هم در پیش نویس قرارداد از آن بعنوان امتیازات اتحادیه اروپا به ایران نام برده می‌شود، واحد بودن سند و شمول آن به کلیه توافقات است که ایران امتیازات زیادی واگذار می‌کند و در مقابل اتحادیه اروپا اقدام قابل توجهی نمی‌کند. واحد بودن سند همه امتیازات را به هم گره زده و اگر ایران یکی از انتظارات اتحادیه را برآورد نکند، اروپا می‌تواند به تعهدات خود عمل نکند. بازتاب این قرارداد را به قرارداد ترکمانچای تشبیه کرده است.

پل وولفوتیز، دونالد رامسفلد، ریچارد آرمیتاژ، الیوت أبرامز و زلمای خلیلزاد در باره ایران برگزار کردند، اعلام شد آمریکا تغییر رژیم در ایران را به دور دوم ریاست جمهوری بوش موکول کرده است و طی دو سال و نیم باقی‌مانده از دوره اول ریاست جمهوری او، زمینه‌های تغییر در ایران را برای آنچه که آنان کمک به مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی خوانند آماده خواهد کرد.

بنابراین، سیاست آمریکا در قبال رژیم را در حال حاضر این گونه می‌توان تعبیر کرد که آمریکا از تلاش برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی تا آغاز دور دوم ریاست جمهوری بوش خودداری خواهد کرد. در این فاصله، جمهوری اسلامی سعی خواهد کرد با ایجاد تغییر در سیاست خارجی خود در جهت تامین نظرات آمریکا حرکت کند و از طریق کمک به اهداف و سیاست‌های آن در خاورمیانه، زمینه نزدیکی به این دولت را فراهم نماید. در مقابل، آمریکا امتیازاتی در سطح خلع سلاح مجاهدین به جمهوری اسلامی خواهد داد.

تلاش برای ایجاد جبهه مشترکی میان مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان

بدنبال انتشار برخی خبرها در رابطه با تلاش برای برقراری رابطه و اتحاد عمل میان مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان، شاهین فاطمی، سخنگوی رضا پهلوی در اروپا به ایران پرس سرویس گفت: "تلاش برای برقراری ارتباط و اتحاد عمل میان سلطنت‌طلبان و مجاهدین خلق از سوی موسسه اینترپرایس صورت گرفته است". سخنگوی موسسه اینترپرایس، مایکل لدین است که مأموریت بررسی تغییر نظام حکومتی در ایران را بعهده دارد. مایکل لدین معتقد است جمهوری اسلامی توان اصلاح خود را ندارد و با مردم ایران، بویژه جوانان در تضاد است. نشریه فایننشال تایمز روز نهم ماه مه طی مقال‌ای فاش ساخت وزارت دفاع آمریکا نه تنها مایل به همکاری مجاهدین و سلطنت‌طلبان است بلکه گام‌هایی هم در این رابطه برداشته است.

شاهین فاطمی ضمن رد اتحاد سلطنت‌طلبان با مجاهدین خلق به ایران پرس سرویس گفت که این طرح از سوی نئو محافظه‌کاران پنتاگون مطرح شده است که مایکل لدین و پل وولفوتیز سخنگوی آنها هستند. در حال حاضر هیچگونه اتحادی میان مجاهدین و طرفداران پادشاهی وجود ندارد و اتحاد عمل طرفداران سلطنت و مجاهدین کاملاً بی‌اساس است.

جوانان زیر ۱۶ سال در زندان گوانتانامو

سازمان عفو بین‌الملل طی انتشار بیانیه‌ای، دولت آمریکا را بخاطر نگهداری و شکنجه نوجوانان ۱۶ ساله در زندان مخوف گوانتانامو، مورد انتقاد شدید قرار داد. عفو بین‌الملل این اقدام آمریکا را نقض حقوق بشر اعلام کرده و از این دولت خواسته هرچه سریع‌تر یا اتهامات این نوجوانان را مشخص کند و یا آنها را آزاد کند.

ارتش آمریکا شماری نوجوان زیر ۱۶ ساله را به اتهام ارتباط با القاعده و طالبان در گوانتانامو زندانی کرده است.

حکومت اسلامی در تلاش...

این تا زمانی که اتحاد شوروی وجود داشت یک امتیاز برای سرمایه جهانی محسوب می‌شد و با اهداف منطقه‌ای و جهانی امپریالیست‌ها بویژه آمریکا همسویی داشت. با فروپاشی اتحاد شوروی، تاریخ مصرف بنیادگرایی مذهبی برای سرمایه جهانی به پایان رسید و در عین حال به عاملی دست و پا گیر برای توسعه طلبی آمریکا و متحدان اروپائی آن تبدیل شد. آمریکا برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه و سلطه‌گرانه خود در خاورمیانه الزاماً باید به بنیادگرایی مذهبی و اسلام سیاسی در منطقه پایان دهد و با آن تصفیه حساب کند. این امر بویژه در مورد ایجاد ثبات برای اسرائیل و حل مناقشه خاورمیانه بنفع آن از اهمیت بسزائی برخوردار است. رژیم جمهوری اسلامی اصلی‌ترین کانون این تحولات است و همانطور که بنا به نیازهای سرمایه بوجود آمد اکنون نیز به همین علت باید برود. جناح‌های رژیم بویژه بخش‌های دوراندیش آن خطر را بخوبی احساس کرده‌اند. رژیم در داخل با بحران فروپاشی و نارضایتی عمومی روبرو است و در نتیجه شانس برای بقا خود با تکیه به مردم نمی‌بیند. حکومت اسلامی با فرصت شناسی غریزی خود زمانی که دریافت تهدید آمریکا جدی است و حیات‌اش در داخل با خطر مرگ روبرو است، تنها چاره نجات خود را نزدیک شدن به آمریکا و پیروی از سیاست‌های آن در منطقه می‌بیند و از اینرو پس از یک دوره مذاکرات و بند و بست‌های پشت پرده و محرمانه، حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه رژیم در یک کنفرانس خبری از مذاکرات مستقیم رژیم با دولت آمریکا در ژنو خبر داد. همزمان با این نشست، خاتمی به سوریه و لبنان سفر کرد. بنظر می‌رسد سفر خاتمی به منطقه در چارچوب توافق با آمریکا صورت گرفته و هدف آن کمک به طرح صلح آمریکا برای حل مناقشه میان فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی اسرائیل بوده است.

آمریکا تا قبل از اشغال عراق سعی می‌کرد با برقراری رابطه دیپلماتیک با حکومت اسلامی ایران، این رژیم را متقاعد کند دست از حمایت گروه‌های بنیادگرای فلسطینی و حزب الله لبنان بردارد و بر سر راه صلح تحمیلی آمریکا برای خاورمیانه مانع ایجاد نکند. رژیم در آن زمان با توجه به شرایط بین‌المللی و سیاست‌های دولت آمریکا در قبال این رژیم، از موضع قدرت برای رابطه با آمریکا شرط تعیین می‌کرد. در حالی که اکنون نه تنها شرطی برای برقراری رابطه با آمریکا قائل نیست حتی حاضر است برای بقا منحوس‌اش به دريوزگی آمریکا بیاقتد و مجری وظایفی شود که این دولت برای یک رژیم وابسته بخود در ایران در نظر دارد. ظاهراً از نظر آمریکا برای چنین تلاشی دیر شده است و این دولت دیگر تمایلی به رابطه با رژیم ندارد. از مجموع شرایطی که در دست است می‌توان این نتیجه را اتخاذ کرد که از نظر دولت آمریکا عمر حکومت دینی بسر آمده و چنین حکومتی با چنین بافت و ظرفیتی نمی‌تواند تمایلات سلطه‌طلبانه دولت آمریکا و منافع انحصارات آمریکائی را تامین نماید و باید جای خود را به حکومت مورد قبول آمریکا بدهد. رنو مارک گزشت، مشاور سیاسی کاخ سفید اخیراً در یک کنفرانس خبری گفت از نظر دولت آمریکا امکان هر نوع تحول در جمهوری اسلامی به بن بست رسیده است. بدنبال آن طی نشستی که دیک چنی،

اطلاعیه

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، بر کارگران و زحمتکشان مبارک باد!

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان و تجلی مبارزات آنها برای ایجاد دنیایی عاری از ظلم و ستم و نابرابری‌ها اجتماعی، طبقاتی و جنسی است.

امسال در شرایطی که استقبال اول ماه مه می‌رویم که نظام سرمایه‌داری بیش از هر زمان دیگری دچار بحران شده و بیش از هر زمان دیگری کارگران و زحمتکشان را مورد یورش قرار داده است. تجلی این دوره از حیات سرمایه‌داری را باید در تنگنای کردن حلقه اسارت و بردگی توده‌های رنجبر، بیکارسازیهای میلیونی، تشدید جنگ‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری بلوک‌های آمپریالیستی یافت که برای غارت ثروت و دسترنج توده‌های رنجکشیده مردم، در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند. در مقابله با این بلوک‌بندیها، مبارزه‌ای در جریان است که به کارگران و توده‌های مردم زحمتکش تعلق دارد و هدف آن فراهم آوردن جامعه‌ای نوین و انسانی برای اکثریت عظیم توده‌های مردمی است که با فروش نیروی کار خود زیست می‌کنند.

در ایران، رژیم اسلامی تعرض علیه کارگران و سایر رنجبران را در سطح وسیعی قانون‌مند کرده و مبارزه آن‌ها برای ابتدائی‌ترین خواسته‌های صنفی‌شان سرکوب می‌کند. سیاست‌های ضدکارگری رژیم تا بدانجا پیش رفته که در یک سال گذشته بالغ بر ده‌ها هزار کارگر در بخشهای صنعتی و خدماتی از کار بیکار شده و رقمی مشابه آن ماه‌هاست که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

سیاست‌های ارتجاعی رژیم در زمینه اقتصادی و برنامه‌ریزی موجب از هم پاشیدن اقتصاد جامعه، رکود تولید، افزایش تورم، بیکاری فزاینده، فقر و گرسنگی شده و عرصه را بر توده‌های زحمتکش مردم تنگ کرده است. تحمل چنین وضع غیرانسانی برای توده‌های مردم ناممکن شده است. آنها برای رهایی از این وضع و مقابله با تعرض سرمایه به سطح زندگی، معیشت و حقوق انسانی‌شان چاره‌ای ندارند جز آنکه خود را متشکل نمایند و بعنوان یک طبقه منسجم، اتحاد و همبستگی مبارزاتی خود را در ابعاد سراسری به نمایش بگذارند و زمینه را برای پاره کردن زنجیرهای بردگی‌شان هموار نمایند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

۷ اردیبهشت ۱۳۸۲ برابر با ۲۷ آوریل ۲۰۰۳

افزایش تولید نفت

عراق و پیامدهای منفی آن بر منافع ایران

بیزن نامدار زنگنه، وزیر نفت جمهوری اسلامی، نگران افزایش نفت عراق است. به گفته وی آمریکا می‌خواهد تولید نفت عراق را بطور چشمگیر افزایش دهد و اگر چنین شود، منافع ایران بخطر می‌افتد. زنگنه افزود افزایش نفت عراق چند ضرر برای ایران دارد که نخستین آن ایجاد تفاوت فاحش از لحاظ درآمد و قدرت ملی میان دو کشور است و در نتیجه باعث برهم خوردن تعادل منطقه می‌شود.

جا به جا نقش پوتین به چشم می‌خورد. پاسدارها از ما عصبانی بودند، دهانشان کف کرده بود. قبل از شکنجه وضو گرفته بودند و در حالی که ما را زیر ضربات کابل گرفته بودند، آیه "اَشْهَدُ عَلَى الْكَافِرِ" و "قاتلوه حتی لا تکتوا للفتنه" را زمزمه می‌کردند. شکنجه مثل نماز و روضه برای آنها مقدس بود. شاید فکر می‌کردند با شکنجه منافقین و کفار جایگاه بهتری در بهشت پیدا می‌کنند. مراسم شکنجه حدود ۲ ساعت طول کشید. بعد از رفتن پاسدارها، دیگ غذائی به داخل سلول آوردند. نزدیک به ۴۰ ساعت بود آب و غذا نخورده بودیم، شدیداً احساس ضعف می‌کردیم. قاشق و بشقابی در کار نبود. سر و صورت و دستهایمان خونی و کثیف بود. از نگیهان خواستیم به دستشویی برویم و دست و صورتمان را بشوئیم. غذا را اگر بود. سرد شده و لایه چربی ضخیمی روی آن را پوشانده بود. با وجود اینکه خیلی گرسنه بودیم ولی نتوانستیم از سر جایمان بلند شویم و چیزی بخوریم. یکی از بچه‌ها که وضع بهتری داشت داوطلب شد و مقداری سیب زمینی و هویج از دیگ برداشت و بین مان تقسیم کرد. ابتدا تصور می‌کردیم قصد دارند همه ما را همانجا اعدام کنند، اما بعد از مدتی سر و کله نماینده دادستان پیدا شد و مقررات بند را که روی یک تکه کاغذ نوشته شده بود برایمان خواند: هواخوری و ملاقات قطع، قدم زدن و حرف زدن در سلول ممنوع، همه باید تمام روز را روی تخت بخوابند، توالت و دستشویی روزی سه نوبت و هر نوبت ۳ دقیقه، حمام هفته‌ای یک بار به مدت پنج دقیقه. از داشتن تشک، پتو، مسواک و دیگر لوازم شخصی و هرگونه وسیله برای غذا خوردن به جز سه عدد پارچه آب محروم شدیم. همه به اجبار با دست از دیگ غذا، نهار و شام می‌خوردیم. روزی ده ضربه شلاق سهمیه داشتیم. هر کس با دیگری حرف می‌زد و یا نسبت به شرایط جدید اعتراض می‌کرد ۱۰ ضربه شلاق اضافی می‌خورد. از خوابی که برایمان دیده بودند معلوم بود قصد زجرکش کردن ما را داشتند. به گفته نماینده دادستان، ما که تعدادمان در سلول جدید حدود ۳۰ نفر بود نباید از امکانات بند عمومی استفاده می‌کردیم. قصد داشتند با تحمیل این شرایط به ما در میان دیگر زندانیان که حدود ۵۰۰ نفر بودند وحشت ایجاد کنند.

وضع وحشتناکی پیدا کردیم. پاسداران بدون توجه به زخم‌ها و شکستگی‌های بدنمان هر شب ۱۰ ضربه شلاق به ما می‌زدند. شب و روز نگیبانی در سلول قدم می‌زد تا زندانی‌ها با هم صحبت نکنند. حدود یکماه به همین منوال گذشت. حرف زدن داشت یادمان می‌رفت. بدنهامان خشک شده بود و همه دچار کمر درد و درد مفاصل شده بودیم. یک روز بچه‌هائی که دچار در رفتگی استخوان یا جراحت شدید شده بودند را به بهداری بردند.

با اعتراض خانواده‌هایمان بلاخره بعد از یکماه به ما اجازه ملاقات دادند. هنوز در سر و صورتمان آثار شکنجه و رد سیاه شده زخمها بر جا مانده بود. با دیدن ما خانواده‌ها دست به اعتراض زدند. به آنها حمله کردند و از سالن ملاقات بیرون‌شان را انداختند. خانواده‌ها به دادسرا رفته و به شکنجه فرزندان‌شان اعتراض کردند. آنجا هم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. تعدادی از آنها بازداشت شدند. دادستان در پاسخ اعتراض خانواده‌ها گفته بود که ما قصد شورش و آتش زدن زندان را داشته‌ایم.

ادامه دارد.....

زمینه‌های قتل عام...

بعد از اتمام سخنرانی متوجه شدیم درهای سالن از بیرون قفل شده و نمی‌شود خارج شد. عجیب به نظر می‌رسید. فکر کردیم ممکن است اتفاقی بیافتد. بعد از نیم ساعت یکی از درها باز شد و اعلام کردند فقط زندانیان طبقه یک می‌توانند به بند برگردند. یک ساعت بعد زندانیان طبقه دو را به بند برگرداندند. دوباره درها بسته شد. یک ساعت، دو ساعت، سه ساعت گذشت، به درب کوبیدیم اما جوابی نشنیدیم. حدود ۱۵۰ زندانی بودیم که اکثر ا روزها داشتیم و گرسنه و تشنه بودیم. نمی‌توانستیم حدس بزنیم چه خوابی برایمان دیده‌اند. نمی‌دانستیم چه عکس‌العملی باید نشان دهیم، انتظار بکشیم یا شورش کنیم و سالن را به آتش بکشیم. از گرسنگی و تشنگی خوابمان برد، یکی یکی کف سالن دراز کشیدیم. ساعت ۱۲ شب گذشت بود و در نگرانی به سر می‌بردیم که یکی از درها باز شد و پاسداری بدون هیچ توضیحی اعلام کرد می‌توانیم در دسته‌ها سه و چهار نفره به دستشویی برویم. هرکس بیرون می‌رفت بر نمی‌گشت. نوبت من رسید. از دستشویی که خارج شدم یکی از توابع گفت می‌توانم به بند برگردم. چراغ‌های راهرو خاموش بود و فقط نور کمی از برجهای زندان به داخل راهرو می‌تابید. وارد راهرو که شدم دیدم تعداد زیادی پاسدار با چوب و چماق و باتوم و زنجیر و کابل در دست دالانی درست کرده‌اند که تا جلو بند امتداد داشت. فاصله سالن تا بند حدود ۴۰۰ متر بود. ترسیدم، قصد داشتم به سالن برگردم که چیز محکمی به سرم خورد و نقش زمین شدم. مرا کتک‌های کتک‌ها به داخل دالان بردند. فقط چند ضربه اول را حس کردم و دیگر چیزی نفهمیدم.

چشم‌مان را باز کردم. روی زمین خوابیده بودم. تمام بدن درد می‌کرد و صورتم پر از خون، به زمین چسبیده بود، قدرت حرکت نداشتیم و دوباره خوابم برد. دوباره بیدار شدم، محمد بالای سرم بود. صورتش کاملاً سیاه بنظر می‌رسید و خون خشک شده صورتش را پوشانده بود. در یک سالن نسبتاً بزرگ بودیم دور تا دور سالن تخت‌های سه طبقه بود بدون تشک. نمی‌دانستم کجا هستم. در گوشه و کنار سالن تعدادی دیگر از بچه‌ها روی زمین و تخت‌ها افتاده بودند. محمد کمک کرد از زمین بلند شدم و روی تخت خوابیدم. با دیدن بقیه بچه‌ها متوجه شدم وضع من از بقیه بهتر است. همه خونین و مالین بودیم با سرها و دستها و پاهای شکسته. من نزدیک به بیست ساعت بیهوش بودم. همه گرسنه و تشنه بودیم. یک سلول دیگر کنار سلول ما بود که تعدادی دیگر از بچه‌ها آنجا بودند. از نوشته‌های روی دیوارها و تخته‌ها فهمیدیم که در بند موسوم به بند ۴۹ هستیم که قبلاً زنان زندانی عادی در آن نگهداری می‌شدند.

با سرو صدای صحبت‌های ما سرو کله پاسداران دوباره پیدا شد و با کابل و باتوم دوباره به جان ما افتادند و زخم‌های تن‌مان را تازه کردند.

قدرت و توان نداشتیم از ضربات کابل فرار کنیم. خود را روی تخت جمع کردیم که از سر و صورتم محافظت کنیم. همه بچه‌ها را دوباره به نوبت زیر کابل و باتوم گرفتند. فکر کردم یکی از ما زیر آن ضربات جان بدهد. از بدن بعضی از بچه‌ها خون زیادی رفته بود و جای پوتین پاسداران روی خونهای لخته شده به جا مانده بود. در سراسر سلول

گرد همائی های اعتراضی معلمان در تهران و شهرستانها

هزاران تن از معلمان تهران و شهرستانها طی روزهای ۱۵، ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت، در مقابل ادارات آموزش و پرورش تحصن کرده و از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند. معلمان جزو زحمتکشترین اقشار جامعه ایران هستند و طی چندین سال گذشته در اعتراض به شرایط سخت شغلی و پائین بودن حقوقشان دست به اعتراض و تظاهرات زده اند اما تا کنون نتیجه ای نگرفته اند. آرش قویدل، یکی از سخنگویان معلمان در تهران در مصاحبه ای با رادیو فردا در باره وضعیت معلمان گفت: "...در وهله اول کار معلمان در این کشور برخلاف سایر جاهای دنیا، ارزیابی نمی شود، هیچ مزایایی هم به آنها تعلق نمی گیرد و علاوه بر اینها، از حقوق پایه اندکی برخوردار هستند و حتی سر تظاهرات اخیر که انجام شد و رئیس جمهور دستور رسیدگی به وضع معلمان را داد، تمام این رسیدگی ها سطحی و ناجیز بود و تنها ۲۰ هزار تومان حقوق پایه این ها افزایش پیدا کرده و از ۶۸ هزار تومان به ۸۸ هزار تومان رسید که اصلا افزایش چشمگیری نبود و اینها در زیر فشار زیادی هستند و طبق اعلامیه دولت کسی که حقوقش از ۲۰۰ هزار تومان کمتر است زیر خط فقر است..."

معلمان تهدید کردند، در صورت عدم پرداخت مطالبات و عمل دولت به وعده های خود تا پایان اردیبهشت، امتحانات خرداد ماه را برگزار نخواهند کرد. گفتنی است، طی اعتراضات این دوره، در بسیاری از مناطق از جمله در خرمشهر، به معلمان وعده افزایش ۱۴ درصدی حقوقشان را دادند.

اعتراض اهالی خاورشهر به مشکل آبرسانی

جمعی از اهالی شهرک خاورشهر تهران واقع در ۷ کیلومتری جاده خاوران، روز ۱۴ اردیبهشت، در اعتراض به عدم آبرسانی مناسب، کیفیت پائین آب شرب و گرانی قیمت آن در این شهرک، جاده خاوران را به مدت ۳ ساعت مسدود کردند و از تردد وسایط نقلیه جلوگیری کردند. تجمع کننده خواستار رسیدگی به مشکلات آب این منطقه زحمتکش نشین شدند.

یک متهم به قتل را در سیستان و بلوچستان با شمشیر کردن زدند

به حکم دیوان عالی جمهوری اسلامی، یک نفر را به جرم قتل دو نفر روز ۲۳ اردیبهشت در سیستان و بلوچستان در ملاء عام با شمشیر کردن زدند. مجازات گردن زنی با شمشیر از دوسال پیش در ایران مرسوم شده و این دومین باری است که این نوع مجازات غیر انسانی در بلوچستان و سیستان به اجرا در می آید.

اعدام ۸ تن در ملاء عام

به گزارش ایسنا، ۸ نفر از یک باند ۳۰ نفره که دو سال قبل در مشهد به اتهام آدم ربائی، تجاوز به عنف و فساد و فحشاء دستگیر شده بودند، صبح روز ۲۳ اردیبهشت در مرکز شهر مشهد، در مقابل چشمان صدها شهروند مشهدی به دار آویخته شدند.

راهپیمائی کارگران چیت سازی بهشهر

کارگران چیت سازی بهشهر در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان برای چندمین بار طی یکماه گذشته، روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت در سطح این شهر راهپیمائی کردند. این کارگران که در دسته های ده نفری حرکت اعتراضی خود را از محل کارخانه آغاز کرده بودند، خواستار تحقق مطالباتشان و وعده هایی که به آنان داده شده است شدند. به گفته این کارگران، بدنبال اعتراضات آنها در یکماه گذشته، تنها ۲۰۰ میلیون تومان برای حل مشکلات آنان اختصاص داده شده که سهم هر کار از این مبلغ ۱۰۰ هزار تومان خواهد بود. کارخانه چیت سازی بهشهر حدود ۲۰۰ کارگر دارد که از ۲۶ ماه پیش حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

کارگران نساجی پارس ایران بیش از ۷ ماه حقوق نگرفته اند

به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، کارگران نساجی پارس ایران که تعداد آنها ۲۹۰ نفر است، از تیرماه سال ۱۳۸۱ حقوق، مزایای، پاداش و بن کارگری خود را دریافت نکرده اند. محمد یعقوبی، دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان که یک تشکل دولتی است با اعلام این مطلب افزود: کارگری که بیش از ۷ ماه حقوق نگیرد، چگونه می تواند جواب زن و فرزند خود را بدهد؟ آیا مسئولین اگر یک ماه حقوق دریافت نکنند برای مملکت دل می سوزانند؟ او در ادامه افزود: کارگران نساجی پارس از سال ۷۹ نیز مطالباتی طلبکار هستند و بعضا به غیر از حقوق ۷ ماه سال ۸۱ هر کدام تا حدود ۳۰۰ هزار تومان نیز از شرکت حقوق طلبکارند.

قتل های زنجیره ای در کرمان

داندگستری کرمان در حال رسیدگی به پرونده شش نفر است که به قتل پنج نفر از جمله زوجی جوان اعتراف و ادعا کرده اند انگیزه آنها امر به معروف و نهی از منکر و برخورد با فساد بوده است. بنا به گزارشها، متهمان پرونده قتل های زنجیره ای کرمان ماموران یکی از نهادهای امنیتی هستند و فرزند یکی از مقامات استان که از او با عنوان سردار یک یاد می شود در میان متهمان است اما حاضر نشده در دادگاه حضور یابد. یکی از متهمان به قتل اعتراف کرده که یکی از قربانیان را سنگسار کرده اند.

روزنامه حکومتی اعتماد، در شماره یکشنبه ۱۶ اردیبهشت خود در این باره نوشت: "متهمان در گشت های خیابانی، زنان و مردان جوان را که از نظر ظاهری به آنها سوءظن پیدا می کردند، می ربودند تا به گمان خود با فساد مبارزه کنند. این گروه هرفردی را که می ربودند، در مخفیگاهی به پرس و جو از او می پرداختند و سپس به اتفاق آراء تصمیم به قتل وی می گرفتند. این گروه تاکنون سه مرد و دو دختر را به قتل رسانده و اجساد آنان را در بیابان رها کرده اند. دو نفر از قربانیان، دختر و پسر جوانی بودند که با هم پیوند نامزدی داشتند و قرار بود تا چند ماه دیگر زندگی مشترک خود را آغاز کنند."

همکاری انگلیس با قوه قضائیه حکومت اسلامی

وزارت خارجه انگلیس اعلام کرد در حال کمک مالی و همکاری عملی با قوه قضائیه جمهوری اسلامی در چارچوب اجرای برخی طرح های اصلاحی است. یکی از معاونین وزیر خارجه انگلیس طی گزارشی کتبی به مجلس عوام بریتانیا این همکاری را در چارچوب چند طرح در خصوص اصلاحات کیفری، آموزش های حقوقی و مراکز نگهداری جوانان و نوجوانان بز هکار توصیف کرد.

آدرس های تماس با کانون
زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

AIPP in exile
P.O.Box 786
St Marys 2760
N.S.W Australia

AIPP in exile
P.O.Box 35662
A.B.Q.NM 87176-5662
U.S.A

AIPP in exile
P.O.Box 95
123 22 Farsta
Sweden

AIPP in exile
Postbus 14559
1001 LB Amsterdam
Holland

AIPP en exile
Postfach 101520
50455 Koln
Germany

تلفن های تماس با کانون

امور بین الملل 46-70-797 38 08
امور پناهندگی 46-70-402 55 31
واحد سوند 46-70-699 83 73
واحد استرالیا 61-2-96231 924
واحد هلند 31-6-54917385
واحد آلمان 49-174-5823006
واحد امریکا 1-505-688 15 03

فکس های کانون

46-8-605 2669
61-2-96231 924
1-505-897 1666

پست الکترونیکی

aipp@kanoon-zendanian.org

صفحه اینترنت

www.kanoon-zendanian.org

کمک های مالی خود را به شماره
حساب پستی:
Postgiro: 647039-7 در سوند
واریز و فیش بانکی را با کد مورد
نظر به یکی از آدرس های کانون
پست نمایند.

khabarnameh
The news letter of Association of
Iranian Political Prisoners (in Exile)